

انسان با نماز کفاره گناهان خودش را می پردازد

آیت الله جاودان گفت: به غیر از گناهی که کفر می آورد و با نماز نمی شود آن را درست کرد سایر گناهان را می شود با نماز جبران کرد.



آیت الله جاودان گفت: به غیر از گناهی که کفر می آورد و با نماز نمی شود آن را درست کرد سایر گناهان را می شود با نماز جبران کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، سخنرانی آیت الله جاودان در شب دوم فاطمیه دوم در پی می آید:

بحثی که دیشب عرض کردیم و امشب ادامه می دهیم بحث کفاره بود. کسی که یک روز روزه اش را به عمد خورده باشد، باید قضایش را بگیرد و کفاره هم دارد. باید به عنوان کفاره این گناه شصت روز روزه بگیرد. یعنی شصت روز به عنوان کفاره یک روز. اگر خدایی نکرده به حرام روزه اش را خورده باشد، باید کفاره جمع بدهد. باید یک بنده آزاد کند و شصت روز روزه بگیرد و شصت فقیر را اطعام کند. اینها مساله بود و نمی خواستیم اینها را عرض کنیم. حضرت صادق (علیه السلام) فرمود لو کانَ علی بابِ أَحَدِكُمْ تَهْرٌ، اگر در جلوی در خانه کسی یک نهري باشد فَأَعْتَسَلَ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ هر روز پنج بار در این نهر غسل کند. بدنش را شست و شو بدهد. هل کانَ يَتَقَى عَلَى جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ آیا چیزی از چرک بر بدنش باقی می ماند؟ اگر انسان روزی پنج بار بدنش را شست و شو کند، چیزی از چرک بر بدنش می ماند؟ خب نمی ماند دیگر. إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ التَّهْرِ الَّذِي، يُنْقَى مِثَالُ نَمَازٍ مِثَالَ أَنْ نَهْرٍ است که بدن را شست و شو می کرد. کَلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَانَ كَقَارَةِ لِدَنُوبِهِ هر نمازی که می خواند این نماز کفاره گناهان آدمی است.

انسان با نماز کفاره گناهان خودش را می پردازد. إِلَّا ذَنْبٌ أَخْرَجَهُ مِنَ الْإِيمَانِ مگر خدایی نکرده یک گناهی بکند که آن گناه او را از ایمان بیرون می برد. گناهی به این بزرگی که کفر می آورد. اگر گناهی است که کفر می آورد، با نماز نمی شود آن را درست کرد. اما سایر گناهان را می شود با نماز جبران کرد. بحثش هم این بود که کفاره چیزی است که جبران می کند. یک مساله. اگر من گناه می کردم و ترک کرده ام. ترک، توبه است. ترک گناه یکی از ارکان توبه است. اگر گناه را ترک نکند، توبه نکرده است. اگر گناه را ترک کرد، یکی از ارکان توبه انجام شده است. رکن دیگرش پشیمانی است. وقتی یادش می افتد اوقاتش تلخ می شود که این چه غلطی بود که من کردم. اگر هروقت به یادش می افتد، ناراحت و پشیمان می شود و اوقاتش تلخ می شود که این چه کاری بود که من کردم، این رکن دوم از توبه را هم دارد. حالا اینجا یک مساله پیش می آید. گاهی هست که انسان گناه را ترک کرده است. اما هنوز وقتی یادش می افتد، لذت آن گناه زیر دندانش هست. معلوم می شود که این توبه مشکل دارد. توبه کافی نیست. چرا؟ ببینید یک وقت من یک گناهی می کنم و بعد توبه می کنم. یک وقت گناه را ادامه داده ام. اگر آدم گناهی را ادامه بدهد، برایش یک ساختمان درست می شود. حالا مثال عرض می کنم. ببینید مثلاً کسی مردم را آزار می دهد. به مردم ظلم می کند. آزار مردم کاری است که یک گرگ می کند. اگر من کار گرگ را می کنم، دقت کنید، صورت باطنی من به صورت گرگ درمی آید. واقعیت اینگونه است.

دقت کنید. به شرط مداومت. یک وقت یک کاری کردم. خب یک غلطی کردم و بعد هم به سر خودم می زنم و حل می شود. با یک گناه برای آدم شکل درست نمی شود. من شکل پیدا می کنم. با گناه شکل باطنی پیدا می کنم. قاعدتا با یک گناه اینگونه نمی شود. البته یک داستانی را حاج آقای حق شناس مکرر می فرمودند که مشهور است. یک کسی، کسی را گول زد و او را به داخل منزلش آورد و او هم یک فنی به کار برد و از دست او نجات پیدا کرد. این در دلش ماند. مشهور است دیگر. داستان حمام منجانب. این تمام عمرش می گفت عجب کلاهی سر من گذاشت. حیف شد. یک گناهی که نکرده بود و فقط مقدماتش را انجام داده بود، برایش شکل ساخته بود. این مهم است. گناهی که برای انسان شکل درست می کند. معمولا بر اثر اصرار بر گناه شکل درست می شود. این بنده خدا هم یک غلطی کرد. خیلی هم بد بود. حالا به خیر گذشت و نشد. بعد هم گفت عجب غلطی کردیم.

اما تمام عمر به آرزوی آن گناه بود. این برایش شکل ساخت. یک شکلی که با آن شکل مرد. نمی دانیم یعنی چه. اگر انسان با آن شکل مرد چه می شود؟ اصرار بر گناه برای آدم شکل درست می کند. آقا آن وقت توبه اش یک روزه نمی شود. مثلاً یک مجلس حالی بود و گریه ای کردیم و گفتیم غلطی کردیم. نه اینگونه حل نمی شود. باز ممکن است یک وقتی یک بار یک مجلسی باشد که ریشه را بکند. اما به طور معمول، گناهی که رویش مداومت شده باشد، در توبه اش هم باید مداومت شود. یعنی یک کاری را به عنوان توبه انجام دهد که جبران کند. ما قدر این روضه ها و گریه ها را نمی دانیم.

خیلی قیمتی است. اصلاً نمی شود با هیچ چیز مقایسه کرد. اما بیشتر از این لازم است. ما یک محرم می آییم و بعد می رود تا فاطمیه و بعد شاید یک کمی در صفر و بعد هم تمام. خب می خواستیم مثال نماز راعرض کنیم. به مقداری که نماز قوت دارد، آن شست و شو انجام می شود. فرمایش فرموده اند. اگر شما یک نماز خواندی و جز نماز هیچ چیز در خاطرت نگذشت، قوت دارد. چنین نمازی کجاست؟ یک نمازی که هیچ چیز در خاطر من نگذشته باشد، نماز که پایان یافت، پاک پاک خواهیم بود. تمام گناهانت پاک می شود. فرضاً. خب ما که چنین نمازی نمی خوانیم. نمازمان به مقداری که نماز است، پاک می کند. کار کفاره می

کند. کفاره یعنی جبران. یعنی خطاهای گذشته مرا جبران می کند. نماز من به مقدار نماز بودنش و به مقدار قوتش نماز است. مثالش را عرض کردم. من نباید بشنوم بغل دستی ام در نماز چه خواند. در حالی که من صدای بغل دستی و جلویی و پشت سری را می شنوم. نماز این است که من نشنوم بغل دستی ام چه گفت. نبینم چه کسی از رو به رویم عبور کرد. ابو حنیفه دیده بود که حضرت موسی بن جعفر می خواهند یک چیزی را آموزش بدهند. در شلوغی ای که نمی دانم کجا بود، حضرت داشتند نماز می خواندند. اعتراض کرد. گفت آقا اینجا که جای نماز نیست.

فرمودند آن کسی که من برایش نماز می خوانم از تمام این جمعیت به من نزدیک تر است. شما از جلوی من عبور می کنید. او که جلوی من نیست. او نزد من است. آن کسی که من برایش نماز می خوانم پیش من است. فرمود انا جلیس من ذکرنی هرکس مرا یاد کند من همنشین او هستم. این جلویی من که همنشین من نیست. این عبور می کند و می رود. او همنشین من است. پس این اعتراض بیهوده است. خب این نماز. اگر چنین نمازی را بخوانی، فقط دو رکعت هم باشد، پاک پاک می شوی. سه تا چیز گفته اند. اول اینکه پاک پاک می شود. دوم اینکه بهشت بر او واجب می شود. انسان به دو رکعت می تواند بهشت را بخرد. سومی را فراموش کردم. خب. پس فرمودند نماز. همین نمازهای ما هم به اندازه نماز بودنش کار می کندها. نه اینکه فقط آن نماز باشد. نه. نماز ما هم به اندازه خودش کار می کند. بنابراین هرچه انسان بکوشد که نمازش نماز شود، دارد برای خودش کار می کند. ما برای خودمان کار می کنیم. اما برای دنیایمان کار می کنیم. ببینید شما ورقه اجتهاد بگیرید، می گذارید و می روید. حاج آقای حق شناس پنج تا ورقه اجتهاد داشت که ما در بین یادداشت هایشان پیدا کردیم. انسان ورقه اجتهادش را به همراه نمی برد. شما دکتری می گیرید. دکتری را هم همین جا می گذاری و می روی. عنوان داشتی؟ عنوانت هم همین جا می ماند. همین تازگی یک آقای فوت کرده بود که استاد قدیمی دانشگاه بود. استاد تاریخ بود. خب باش. آن طرف کسی نمی خواهد تاریخ بخواند. بنابراین کسی نمی داند دکتری تاریخ یعنی چه. این هم به هیچ دردی نمی خورد.

حالا یک مطلب راحت تر بگوییم. این خیلی راحت است و کفاره خیلی خوبی است. فرمایش حضرت باقر (علیه السلام) است. ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَ ثَلَاثُ كَقَارَاتٍ وَ ثَلَاثُ مُبِقَاتٍ سه تا چیز هست که برای انسان درجه می آورد. یک چیزی عرض کنم. ببینید وقتی انسان از این دنیا می رود، در بهشت دیگر هیچ غصه ای نیست. بنابراین هیچ غصه نمی خورد که مثلا آقای فلانی بالاتر از من است. اصلا هیچ یادش نمی آید. هیچ غصه نمی خورد. این را کنار بگذارید. اما در پنجاه سال قیامت مدام می گوید ای وای. چرا من اینجا کوتاهی کردم؟ چرا اینجا تقصیر کردم؟ چرا اینجا کوتاه آمدم؟ چرا اینجا کم کار کردم؟ مدام می گوید. از این عالم که رفت تا به بهشت برسد مدام بر سرش می زند که چرا کم کار کرده و چرا کوتاه آمده. چرا گناه کرده و چه. در هر صورت. بنابراین درجه مهم است. نه اینکه مهم نباشد. سه تا چیز هست که باعث درجات آخرت انسان می شود. سه تا چیز هست که کفاره است. خرابی ها را جبران می کند. ثَلَاثُ مُبِقَاتٍ سه تا چیز هست که انسان را هلاک می کند. سه تا چیز هم هست که انسان را نجات می دهد. فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَلِفَتْشَاءِ السَّلَامِ سلام را گسترش بدهد. ساده اش این است که به هرکس رسید سلام کند.

البته نمی شود که انسان به هرکس رسید سلام کند. اما لاقلاً در مورد آشناها شما پیش سلام باش. چون اگر در کوچه به هرکس که رسیدی سلام کنی، مردم می گویند عقلش کم است. این خوب نیست. اما درمورد آشناها پیش سلام باش. مثلا اگر کسی جوان بود، او باید پیش سلام شود؟ نه. اگر سن من بالاتر است هم من پیش سلام شوم. هرکسی اینگونه باشد به درجات می رسد. چیز خیلی خوبی است. سهل هم هست. سخت نیست. مگر اینکه آن که درون سینه مان است نگذارد. وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ به دیگران طعام بخوراند. وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وقتی مردم خواب هستند، این تنها بیدار شده و نماز می خواند. یک دوستی داشتیم که چهار رکعت نماز شب را نماز جعفر طیار می خواند. چهار رکعتش را نماز امیرالمومنین می خواند که هر رکعت پنجاه تا قل هو الله احد دارد. در خاطر من نیست دو رکعت شفع را چکار می کرد. در رکعت آخر هم که هفتاد بار استغفار می کرد و سیصد بار العفو می گفت. حوصله داری سیصد بار العفو بگویی؟ در بین نمازها هم دعای یستشیر و ... را می خواند. هرکس به اندازه همتش. از این بگذریم. در ادامه می فرماید وَ أَمَّا الْكَقَارَاتُ فِإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبَرَاتِ این را از ما گرفته اند. در سرما وضوی شاداب بگیرد. قدیم ها اینگونه بود. قدیم ها سر حوض وضو می گرفتیم و حوض یخ زده بود و باید یخش را می شکستیم و وضو می گرفتیم. بعدها بنده راه پیدا کردم و آب را می گذاشتیم زیر کرسی. گرم می شد و وضو می گرفتیم. آن فضیلت از دست رفت. ده دقیقه است دیگر. مگر وضو چند دقیقه است. عرض کردم. دست مان در اثر همان سرما و آب ترک می خورد. باید خونس را پاک کنیم. مرحوم آقای آقا شیخ مرتضی باید خودش را آب می کشید. حالا نمی گویم چرا. بنابراین تا کمر باید داخل آب می شد. پدرم می گفت ما یخ را با بیل شکستیم. یعنی انقدر قطر داشت. نیم ساعت طول می کشید و بعد بیرون می آمد و نمازش را می خواند و بعد از نماز یخ می کرد. آن وقت که در آب بود یخ نمی کرد.

بعد از نماز یخ می کرد. پس فِإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبَرَاتِ یعنی وضوی شاداب در سرما وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ از خانه راه می افتد و تا مسجد می رود. شب و روز و صبح. وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ نماز جماعت قیمتی است. عرض من تمام شد. ان شاء الله شب های بعد ادامه اش را می گویم.